

باسمه تعالی

### شاخص اندازه‌گیری «عمق ساخت داخل»؛ زیرساختی برای کارآمد ساختن سیاست‌های حمایتی از توان داخل

سینا سالاری؛ مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری؛ [salari.sina@gmail.com](mailto:salari.sina@gmail.com)

#### چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند موجب رونق تولید و اشتغال شود و به رشد اقتصادی کشور کمک کند، تقویت توان ساخت داخل است. این موضوع در بندهای متعددی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. برای تحقق این مهم، قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی در کشور وضع شده است، اما هیچ‌یک نتوانسته گره از کار تولید بگشاید. آسیب‌شناسی قوانین حمایتی از توان داخل نشان می‌دهد که تعیین شاخص دقیقی برای اندازه‌گیری میزان داخلی‌سازی یکی از زیرساخت‌های مهمی است که در این قوانین از آن غفلت شده است. لذا تولیدکنندگان داخلی همواره مبتنی بر بازدیدهای کارشناسی ارزیابی شده‌اند که شیوه‌ای فسادزا و غیردقیق است. بنابراین تصویر واضحی از محصول ایرانی و در نتیجه شرکت ایرانی در کشور وجود ندارد و همین موضوع راه را برای دور زدن قوانین هموار می‌سازد. در مقابل، آنچه در بسیاری از کشورهای دنیا مورد توجه قرار گرفته، توجه به شیوه‌های سیستمی است. به عنوان مثال، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی تحت سرفصل قواعد مبدأ به این موضوع پرداخته‌اند.

اندازه‌گیری میزان داخلی‌سازی علاوه بر اینکه زیرساخت مناسبی را برای اجرای قوانین و سیاست‌های حمایتی از توان داخل فراهم می‌کند، می‌تواند آثار دیگری را هم برای کشور به ارمغان بیاورد؛ از جمله امکان برآورد نسبتاً دقیق میزان توانمندی داخلی در حوزه‌های مختلف، ایجاد رقابت سازنده میان شرکت‌های داخلی، ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات برای ارتقای توان داخل، کمک به شناخت مزیت‌های نسبی کشور، کمک به رونق تولید و اشتغال کشور در بلندمدت و ... .

یکی از شیوه‌های رایج در دنیا برای اندازه‌گیری میزان داخلی‌سازی، محاسبه میزان ارزش افزوده خلق شده در داخل کشور است. بر همین اساس، در مقاله پیش رو، شاخص «عمق ساخت داخل» و نحوه اندازه‌گیری آن معرفی شده است. برخلاف شیوه‌های رایج در دنیا که عمدتاً محصول محور هستند، رویکردی که برای اندازه‌گیری این شاخص انتخاب شده، رویکرد «بنگاه محور» است؛ چراکه علاوه بر پیچیدگی کمتر، می‌تواند کشور را به هدف بزرگ‌تری که همانا تشکیل شرکت‌های بزرگ داخلی است، نیز رهنمون سازد. علاوه بر این در شاخص ارائه شده، عامل مهم «زنجیره تأمین» هم مورد توجه قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، رونق تولید، عمق ساخت داخل، ارزش افزوده، زنجیره تأمین

### مقدمه

تقویت توان ساخت داخل (Local Content) از آن رو که موجب رونق تولید و اشتغال و رشد اقتصادی می شود، برای کشورهای مختلف حائز اهمیت است؛ البته تلقی رایج این است که با وجود برقراری تجارت آزاد در دنیا، سیاست های حمایتی از ساخت داخل رنگ باخته اند؛ اما بررسی شیوه رفتار بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته نشان می دهد که همچنان به موضوع ساخت داخل به عنوان یک اصل در توسعه اقتصادی نگریسته می شود. وضع سیاست های جدید تعرفه ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا اقدامی در همین راستا محسوب می شود. همچنین بسیاری از کشورهای در حال توسعه عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) در سرفصلی تحت عنوان قواعد مبدأ (Rules Of Origin) به بررسی میزان داخلی سازی محصولات مختلف می پردازند که نشان دهنده اهتمام این کشورها به موضوع ساخت داخل است. به علاوه نظریه حمایت از صنایع نوزاد (Infant Industries) در تجارت آزاد نیز بر همین مهم تأکید دارد. بر اساس این نظریه، دولت باید از صنایع نوزاد در مقابل محصولات خارجی حمایت کند و در یک فضای تنفس (Breathing Room)، به رشد این صنایع و آمادگی آن ها برای رقابت کمک نماید. بررسی تاریخ کشورهای توسعه یافته کنونی که هم اکنون پرچمدار تجارت آزاد در جهان هستند نیز نشان می دهد که این کشورها در دوره های پیشین، سیاست های حمایتی را در دستور کار خود داشتند؛ به گونه ای که در بسیاری از موارد، صنایع و شرکت های پیشرفته جهان حاضر محصول اعمال چنین سیاست هایی در گذشته هستند.

شایان ذکر است که در صورت عدم حمایت از ساخت داخل در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، همواره این کشورها باید دنباله رو کشورهای توسعه یافته باشند و طبعاً سیاست هایی را پیگیری نمایند که از سوی این کشورها دیکته می شود. لذا می توان گفت که موضوع ساخت داخل از نقطه نظر امنیت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی نیز دارای اولویت ویژه ای است. از این لحاظ، کشور ایران به دلیل جایگاه خاصی که در نظام بین الملل دارد، بیش از سایر کشورها در معرض تهدید است. بنابراین اهتمام به ساخت داخل برای ایران از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

البته ناگفته نماند که جانب داری از توان داخل به معنای حمایت بی چون و چرا از تولیدکنندگان کالا و ارائه کنندگان خدمت داخلی نیست؛ بلکه این حمایت باید هوشمندانه صورت گیرد؛ بدین معنا که اولاً لازم است صنایع مزیت دار کشور شناخته شود و چنین صنایعی تحت حمایت دولتی قرار گیرند. ثانیاً حمایت ها باید به صورت مشروط و زمان دار اعمال شود تا بهره وری و کارآمدی صنایع تحت الشعاع قرار نگیرد. بر این اساس، تدوین یک سیاست صنعتی (Industrial Policy) جامع به عنوان پیش نیاز حمایت از ساخت داخل، ضرورت دارد.

### قوانین حمایت از ساخت داخل

به طور کلی، حمایت از توان داخل در سه سطح می تواند صورت گیرد؛ عرضه، تقاضا و حاکمیت. عرضه کننده می تواند با بهبود کیفیت و کاهش قیمت محصولات خود در این زمینه مؤثر باشد، متقاضی با التزام به خرید محصول داخلی در این خصوص نقش آفرینی می کند و حاکمیت با وضع سیاست های حمایتی از توان داخل. کشورهای مختلف سیاست های متعددی را برای حمایت از توان داخلی پی می گیرند؛ از جمله تنظیم تعرفه، منع واردات، کنترل قاچاق، خرید تضمینی، وضع قوانین حمایتی و... در این میان، قوانین حمایت از توان داخل از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در صورت کارآمد بودن، می تواند تا حد قابل قبولی به رونق تولید داخل کمک کند.

در ایران نیز قوانین متعددی برای حمایت از توان داخل تصویب شده است که از آن جمله می توان به قانون امور گمرکی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون حمایت از مصرف کننده، قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور، قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در برخی قوانین دیگر نیز احکامی مرتبط با توان داخل وجود دارد، همانند قوانین تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۰، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳)، قانون کار (با تأکید بر قانون کار در حوزه فناوری)، قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین مالیاتی (مالیات های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده)، قانون صادرات و واردات، قانون تأمین اجتماعی، قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و تسريع در اجرای طرح های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک ها و همچنین قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی. باین حال، قوانین مورد اشاره نتوانسته است در رونق تولید و اشتغال داخلی مؤثر باشد. مهم ترین دلایلی که می توان برای ناکارآمدی این قوانین برشمرد، عبارت اند از:

### عدم پیش بینی ضمانت اجرای مناسب در متن قانون

در این قوانین، قواعد متعددی برای الزام شرکت ها به استفاده از توان داخل وضع شده است و دستگاه ها موظف شده اند تا این قواعد را رعایت کنند. پایبندی به این قواعد، زمانی محقق می شود که نقض آن ها هزینه های قابل توجهی برای متخلفین به همراه داشته باشد. اما در عموم قوانین مذکور، هیچ مسئولیتی متوجه افراد حقیقی مشارکت کننده نخواهد بود. حال آنکه لازم است در متن قانون، ضمن اطلاق عنوان مجرمانه بر تخطی از آن، مجازات بازدارنده ای برای متخلف تعیین شود. تجربه کشورهای موفق در این زمینه نیز این گفته را تصدیق می نماید.

### سازوکار ناکارآمد کشف تخلف

در عموم این قوانین، سازوکار مناسبی برای کشف تخلفات در نظر گرفته نشده و این مهم صرفاً به تشخیص یک هیئت ناظر واگذار شده است؛ اما چنین هیئتی توان ورود دقیق کارشناسی به تمامی موضوعات را ندارد و

تنها می‌تواند تخلفات را از منظر ظاهری بررسی نماید. علاوه بر این، به‌طور کلی کشف تخلفات در این زمینه فرآیند پیچیده‌ای است؛ لذا بررسی‌های هیئت مذکور نیز به نتایج چندان صحیحی منجر نخواهد شد. وجود این خلأ موجب عدم توفیق در کشف تخلفات و در نتیجه، ناکارآمدی قانون در اجرا می‌شود. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته به‌منظور کشف تخلفات و نظارت محتوایی بر اجرای قانون از سازوکارهای نظارت عمومی استفاده می‌شود. در این روش، اولاً کلیه فرآیندهای مرتبط با اجرای قانون کاملاً شفاف و از طریق یک سامانه، در دسترس عموم قرار دارد و ثانیاً کلیه افراد حقیقی و حقوقی مجازند با ارائه مدارک مستدل، تخلفات به وجود آمده را گزارش نمایند. در صورتی که تخلف مذکور اثبات شود، از محل عوایدی که به دست می‌آید مبلغی به‌عنوان پاداش به فرد حقیقی یا حقوقی گزارش‌کننده تعلق می‌گیرد.

### فقدان شاخص مناسب برای سنجش عمق ساخت داخل در کشور

یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای اجرای صحیح سیاست‌های حمایتی از توان داخل، توان تشخیص محصول داخلی از محصول وارداتی است. تاکنون اندازه‌گیری میزان استفاده از توان داخل در کشور، مبتنی بر رویکرد «کالامحور» بوده است و همواره تلاش شده است تا فهرستی از کالاهای ایرانی تهیه شود. از سوی دیگر، فرآیند تشخیص کالای ایرانی نیز «نهادمحور» (Agent Base) بوده است. به بیان دقیق‌تر اندازه‌گیری سهم تولید داخل از طریق بازدیدهای کارشناسی توسط کارشناسان یک نهاد انجام می‌شود که اشکالات فراوانی را به همراه داشته است؛ از جمله دقت پایین اندازه‌گیری، امکان وقوع فساد، سلیقه‌محور بودن، بی‌توجهی به زنجیره تأمین کالا، از قلم افتادن خدمات داخلی، غفلت از سهم نیروی انسانی داخلی، هزینه بالا و امکان دور زدن قانون با معرفی کالای وارداتی به‌جای تولید داخل. بنابراین در حال حاضر، سازوکار مشخصی وجود ندارد که معین کند کدام کالا و خدمات و به چه میزان داخلی است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان، شیوه‌های کارآمدی برای تشخیص میزان تولید داخل به کار گرفته می‌شود. در ادامه، بیشتر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

### اهمیت سنجش عمق ساخت داخل

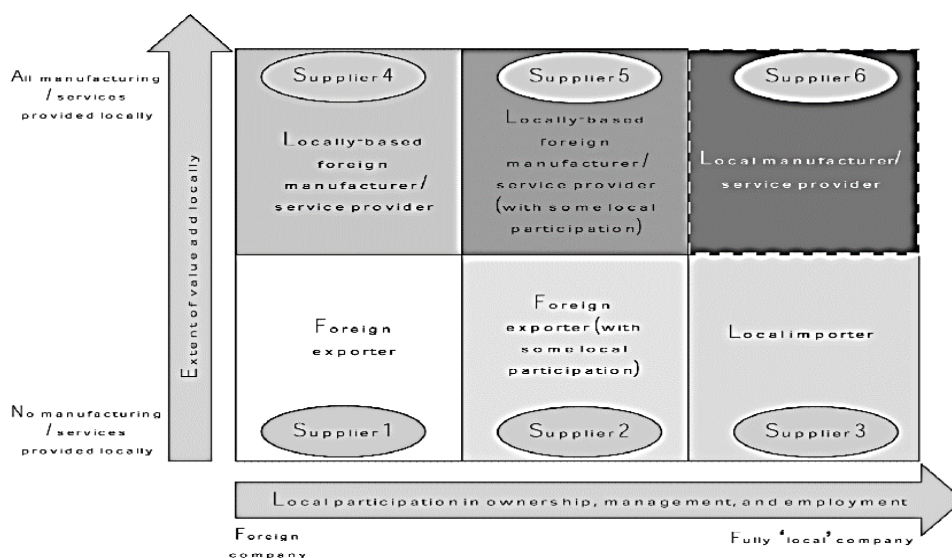
شاید بتوان گفت انتخاب شاخص مناسب برای اندازه‌گیری میزان داخلی‌سازی (عمق ساخت داخل) مهم‌ترین گام برای سنجش و در نتیجه حمایت از توان داخل است. در صورت اتخاذ یک شیوه علمی برای اندازه‌گیری عمق ساخت داخل که در عمل هم قابل پیاده‌سازی باشد، زیرساخت بسیار مناسبی برای پیاده‌سازی سیاست‌های حمایتی از توان داخلی شکل خواهد گرفت. به‌علاوه اندازه‌گیری دقیق عمق ساخت داخل، فی‌نفسه دارای اهمیت است و می‌تواند انگیزه خوبی برای تولیدکنندگان داخلی به‌منظور ارتقای سهم داخلی‌سازی تولیداتشان باشد. به‌طور کلی، تعیین چنین شاخصی، می‌تواند مزایای زیر را به دنبال داشته باشد:

۱. فراهم شدن زیرساخت مناسبی برای اعمال سیاست‌های حمایتی از توان داخل

۲. امکان برآورد نسبتاً دقیق میزان توانمندی داخلی در حوزه‌های مختلف
۳. ایجاد رقابت سازنده میان شرکت‌های داخلی
۴. ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات برای ارتقای توان داخل
۵. کمک به شناخت مزیت‌های نسبی کشور
۶. کمک به رونق تولید و اشتغال کشور در بلندمدت

## شیوه سنجش عمق ساخت داخل

تعاریف متفاوتی برای میزان داخلی‌سازی در تولید یک محصول ارائه شده است. محوریت اغلب این تعاریف را میزان خلق ارزش در داخل کشور و همچنین استفاده از نیروی انسانی داخلی تشکیل می‌دهد. در همین رابطه، بانک جهانی تأمین‌کنندگان را بر مبنای میزان مشارکت نیروهای بومی و خلق ارزش افزوده تقسیم‌بندی نموده



که در نمودار زیر قابل مشاهده است:

نمودار ۱. تقسیم‌بندی تأمین‌کنندگان بر مبنای میزان مشارکت نیروی انسانی داخلی و خلق ارزش در داخل - بانک جهانی

بر این اساس، سهم داخلی در یک محصول، به معنای سهم ارزشی خلق‌شده در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور و توسط نیروی انسانی همان کشور، برای تولید محصول موردنظر است. هرچند این تعریف ظاهراً بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما اندازه‌گیری آن بسیار دشوار و پیچیده است.

در این زمینه، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی – همان گونه که در طلوعه گزارش اشاره شد- در سرفصلی تحت عنوان قواعد مبدأ، به موضوع داخلی سازی و شیوه های اندازه گیری آن پرداخته اند. بر این اساس، رویکردهای مختلفی در تشخیص میزان داخلی سازی محصولات وجود دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. تغییر در دسته بندی تعرفه ای از طریق محاسبه کد گمرکی بین المللی (Harmonized System) HS
۲. تشخیص عملیات ویژه تولید بر اساس بررسی کارشناسی
۳. میزان ارزش افزوده خلق شده در داخل کشور

از این میان، استفاده از رویکرد سوم با وجود پیچیدگی هایی که دارد، در بسیاری از کشورها رایج است. به عنوان مثال، کشور سنگاپور برای محاسبه میزان داخلی سازی محصولات خود بر مبنای این رویکرد، فرمول زیر را مورد استفاده قرار می دهد:

$$Local\ Content = \frac{\frac{Local\ Raw\ Material\ Cost}{Exfactory\ Cost} + \frac{Local\ Direct\ Labour\ Cost}{Exfactory\ Cost} + \frac{Direct\ Overhead\ Cost}{Exfactory\ Cost}}{1} \times 100$$

صورت این کسر شامل هزینه مواد اولیه داخلی، دستمزد نیروی کار داخلی و هزینه های مستقیم سربار برای تولید محصول است و مخرج کسر قیمت تمام شده محصول درب کارخانه را نشان می دهد.

### فرمول پیشنهادی

در ادامه، شیوه بومی تعیین «عمق ساخت داخل» معرفی می شود؛ در این روش هر شرکت ایرانی که در سامانه ثبت شرکت ها ثبت شده باشد، با توجه به عملکرد سالانه خود یک امتیاز به عنوان «امتیاز داخلی سازی» دریافت می کند. این امتیاز از دو بخش تشکیل یافته است که مجموع آن ها نشان دهنده امتیاز یک شرکت است. بخش اول که «امتیاز خلق ارزش مستقیم» نامیده می شود، نشان دهنده سهم مستقیم شرکت در داخلی سازی است و بخش دوم تحت عنوان «امتیاز زنجیره تأمین» مربوط به زنجیره تأمین شرکت است. به بیان دقیق تر علاوه بر تولید مستقیم، در صورتی که شرکت در طی سال در زنجیره تأمین خود از شرکت های ایرانی استفاده کند از امتیاز بیشتری برخوردار خواهد بود. در ادامه اجزاء این امتیاز و روش محاسبه آن توضیح داده می شود.

### امتیاز خلق ارزش مستقیم

این امتیاز نشان دهنده سهمی از تولید داخل است که مستقیماً توسط هر شرکت ایجاد می شود. برای محاسبه این امتیاز، حاصل جمع «سود سالانه» هر شرکت به علاوه «حقوق» پرداختی به اشخاص حقیقی ایرانی در طول سال بر درآمد سالانه شرکت تقسیم می شود. این عدد نشان می دهد چه سهمی از ارزش نهایی تولیدات یک شرکت، اعم از کالا و خدمات، مستقیماً توسط شرکت مذکور تولید شده است. این امتیاز بر اساس داده های مالیاتی برای تمامی شرکت های ایرانی محاسبه می شود. بنابراین در سامانه مالیاتی، تمامی شرکت های ایرانی



امتیازی تحت عنوان «امتیاز خلق ارزش مستقیم» خواهند داشت که به‌طور سیستماتیک و بدون صرف هرگونه هزینه‌ای به‌طور سالانه به‌روز می‌شود.

$$100 \times \frac{\text{سود سالیانه} + \text{حقوق سالیانه به اشخاص حقیقی ایرانی}}{\text{درآمد سالیانه شرکت}} = \text{امتیاز خلق ارزش مستقیم شرکت}$$

### امتیاز زنجیره تأمین

برای تعیین سهم واقعی هر شرکت در تولید داخلی باید زنجیره تأمین آن شرکت از منظر تولید داخلی بررسی شود. لذا در گام اول شرکت‌های ایرانی موجود در زنجیره تأمین شرکت اصلی (همان شرکتی که زنجیره تأمین آن موردنظر است) تا چهار لایه تعیین می‌شود (تعداد لایه‌ها می‌تواند از این بیشتر یا کمتر باشد اما محاسبات عددی نشان می‌دهد انتخاب ۴ لایه برای زنجیره تأمین از دقت بسیار مناسبی برخوردار خواهد بود). لایه اول شرکت‌هایی هستند که شرکت اصلی به‌طور مستقیم و بدون واسطه از آن‌ها خرید انجام داده است. لایه دوم شرکت‌هایی هستند که شرکت‌های لایه اول به‌طور مستقیم و بدون واسطه از آن‌ها خرید انجام داده‌اند و شرکت‌های لایه‌های سوم و چهارم نیز به همین ترتیب تعریف می‌شوند.

برای محاسبه «امتیاز زنجیره تأمین» شرکت اصلی، ابتدا شاخصی تحت عنوان «سهم مشارکت» تعریف می‌شود. این شاخص برای هر یک از شرکت‌های موجود در زنجیره تأمین مورد محاسبه قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که هر یک از این شرکت‌ها چه میزان در تأمین نیازهای شرکت اصلی مشارکت دارند. برای محاسبه «سهم مشارکت»، ابتدا میزان فروش سالانه هر شرکت به شرکتی که در لایه قبل به آن متصل است، بر درآمد سالانه شرکتی که در لایه قبل به آن متصل است تقسیم می‌شود. عدد محاسبه‌شده برای شرکت‌های لایه اول همان «سهم مشارکت» است، اما برای یک شرکت در لایه‌های بعد این عدد باید در «سهم مشارکت» مربوط به تمامی شرکت‌هایی که در زنجیره تأمین بین این شرکت و شرکت اصلی قرار دارند، ضرب شود.

در گام بعدی برای محاسبه «امتیاز زنجیره تأمین» مربوط به شرکت اصلی، برای هر یک از شرکت‌های موجود در زنجیره تأمین، «امتیاز خلق ارزش مستقیم» در «سهم مشارکت» ضرب می‌شود و اعداد حاصل با یکدیگر جمع می‌گردد. این عدد به‌طور سالانه و بر اساس اطلاعات موجود در سامانه مالیات بر ارزش افزوده به‌طور سیستماتیک برای تمامی شرکت‌ها محاسبه و اعلام خواهد شد.

### امتیاز زنجیره تأمین شرکت

$$\text{سهم مشارکت} \left\{ \begin{array}{l} \text{برای تمامی شرکت‌های موجود در زنجیره تأمین} \\ \text{مجموع} \end{array} \right\} \text{امتیاز خلق ارزش مستقیم} \times$$

### امتیاز داخلی سازی

«امتیاز داخلی سازی» برای یک شرکت از حاصل جمع «امتیاز خلق ارزش مستقیم» و «امتیاز زنجیره تأمین» برای آن شرکت محاسبه می شود. این عدد به طور سالانه و به طور سیستماتیک برای تمامی شرکت ها و بر اساس داده های مالیاتی در سامانه مالیاتی محاسبه و ثبت می شود. به رغم اینکه روش در مقام توضیح تا حدودی پیچیده به نظر می رسد اما در عمل محاسبه آن بسیار ساده و بدون هزینه انجام می گیرد.

امتیاز زنجیره تأمین شرکت + امتیاز خلق ارزش مستقیم شرکت = امتیاز داخلی سازی شرکت

### ویژگی های فرمول پیشنهادی

همان گونه که مشاهده می شود در این شیوه، به منظور تشخیص بنگاه های ایرانی یک روش سیستمی (System Base) برای جایگزینی با روش فعلی «نهادمحور» پیشنهاد شده است که به صورت سیستماتیک، مبتنی بر داده های موجود و بدون نیاز به بازرسی کارشناسی، می تواند عمق داخلی سازی را اندازه گیری کند. این شیوه نسبت به فرمول مورد استفاده در کشور سنگاپور نیز مزایای قابل توجهی دارد؛ نخست اینکه رویکرد «بنگاه محور» را جایگزین رویکرد کلام محور نموده است؛ یعنی به جای اینکه عمق ساخت داخل را برای کالاهای ایرانی تعیین کند، این شاخص را در مورد شرکت های ایرانی اندازه گیری می نماید. در نتیجه علاوه بر اینکه از پیچیدگی فرمول کاسته می شود، امکان رتبه بندی شرکت ها مبتنی بر این شاخص وجود دارد که می تواند به رشد شرکت ها و تشکیل شرکت های بزرگ ایرانی بیانجامد. همچنین در این شیوه، برخلاف رویه رایج در دنیا، به زنجیره تأمین بنگاه نیز توجه شده است که افزایش دقت شاخص را در پی دارد و مانع دور زدن قوانین می گردد.

### جمع بندی

با توجه به آنچه بیان شد، شاخص «عمق ساخت داخل» به عنوان یکی از مهم ترین زیرساخت های تقویت توان داخل، حائز اهمیت است. برای اندازه گیری این شاخص، شیوه های مختلفی در دنیا مورد استفاده قرار می گیرد که یکی از رایج ترین آن ها استفاده از مفهوم ارزش افزوده است. بر این اساس، هرچه ارزش افزوده خلق شده در داخل کشور طی فرآیند تولید یک محصول بیشتر باشد، عمق ساخت داخل آن محصول بیشتر خواهد بود. در همین راستا، فرمول بومی تعیین عمق ساخت داخل در این مقاله ارائه شد؛ رویکرد بنگاه محور به جای محصول محور و همچنین در نظر گرفتن زنجیره تأمین دو نقطه قوت این فرمول نسبت به فرمول رایج جهانی محسوب می شود. در عین حال، باید توجه نمود که محاسبه این فرمول به صورت عملیاتی دارای ظرایفی است که می تواند موضوعی برای بررسی بیشتر در مقاله های آتی باشد.



شایان ذکر است که اخیراً (دی ماه ۹۷) طرح اصلاح قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور در مجلس شورای اسلامی مصوب شده است؛ طبق ماده ۴ این قانون، وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف شده است که نسبت به تعیین عمق ساخت داخل محصولات ایرانی اقدام و آیین نامه اجرایی این موضوع را حداکثر پس از ۴ ماه از لازم الاجرا شدن قانون تهیه نماید. فرمول فوق می تواند در این زمینه مورد استفاده وزارتخانه مذکور قرار گیرد.

نامه به مسئول

جناب آقای دکتر رضا رحمانی

وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت

با سلام و احترام؛ همان گونه که مستحضر هستید بررسی و تصویب طرح اصلاح قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن ها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات های مستقیم» اخیراً (۳۰ دی ماه ۹۷) در مجلس شورای اسلامی به پایان رسیده و مطابق ماده ۴ این طرح، تعیین شاخص «عمق ساخت داخل» محصولات ایرانی و تدوین آیین نامه اجرایی این موضوع به آن وزارتخانه محترم سپرده شده است. به استحضار می رساند مطالعاتی از حدود یک سال پیش در همین رابطه آغاز شده که نتیجه آن، تدوین فرمولی بومی برای تعیین شاخص مذکور است. شایان ذکر است که فرمول مورد اشاره نسبت به فرمول رایج در بسیاری از کشورهای جهان مزایایی همچون بنگاه محوری (به جای محصول محوری) و توجه به زنجیره تأمین بنگاه دارد.

نظر به اهمیت موضوع و نقشی که می تواند در تقویت توان داخل کشور داشته باشد، به پیوست این نامه، گزارشی در این خصوص تقدیم می گردد. همچنین بدین وسیله از جناب عالی درخواست می شود ترتیبی اتخاذ فرمایید که جزئیات این فرمول پیشنهادی طی جلساتی به استحضار کارشناسان آن وزارتخانه محترم برسد.

پیشاپیش از حسن همکاری حضرت عالی سپاسگزارم.

سینا سالاری

### منابع

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آسیب‌شناسی عدم توسعه ساخت داخل پروژه‌های نفت و گاز در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۴
۲. قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم»
۳. <http://documents.worldbank.org/curated/en/۳۶۱۶۱۱۴۶۸۳۳۸۴۵۹۱۵۶>
۴. <https://dirp۳.pids.gov.ph/ris/dps/pidsdps۰۹۳۶.pdf>
۵. <https://www.customs.gov.sg/-/media/cus/files/business/exporting-goods/cert-of-origin/handbook-on-the-rules-of-origin-for-ordinary-certificate-of-origin.pdf>